

سرمایه‌گذاری در صنایع سودآور

مهدی رضائی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

سایت شبکه ایران

از دید حسابداری، سودآوری سرمایه‌گذاری در یک فعالیت به این معناست که پس از کسر هزینه‌ها از درآمدها، مبلغی برای صاحبان سرمایه باقی بماند، به طوری که این مبلغ نسبت به عایدی سرمایه‌گذاری سایر فعالیتها چشمگیرتر باشد. این تعریف سود و سودآوری مربوط به سطح خرد می‌باشد. عواملی که سودآوری یک فعالیت را تعیین می‌کنند، به اندازه زیادی به نحوه مدیریت بنگاه بستگی دارد؛ زیرا مدیریت یک بنگاه است که شرایط اقتصادی را درک کرده و سعی می‌کند تا با سیاستگذاری درست، سود ناشی از فعالیت جاری و یا آتی خود را تعیین نماید. اگر یک فعالیت سودآور باشد، سایر سرمایه‌گذاران سعی می‌کنند تا در آن فعالیت وارد شوند و بدین نحو، ورود سرمایه‌گذاران به آن فعالیت تا هنگامی که سود سرمایه‌گذاری در آن صفر شود، ادامه می‌یابد؛ مگر اینکه از طریق سیاستهایی، از ورود سایر سرمایه‌گذاران در فعالیت سودآور جلوگیری شود. سود سرمایه‌گذاری صفر در یک فعالیت، بدین معنی است که صاحبان سرمایه، پاداش سرمایه‌گذاری خود را به دست می‌آوردند، اما این عایدی سرمایه‌گذاری، تفاوت چشمگیری با عایدی سرمایه‌گذاری در سایر فعالیتها ندارد. معمولاً گفته می‌شود که در سطح خرد، سود اقتصادی وجود ندارد و آنچه سود نامیده می‌شود، سود حسابداری بوده و این سود در واقع پاداش صاحبان سرمایه است.

در سطح کلان، سود صاحبان سرمایه، دستمزدها شامل حقوق و پاداش مدیران و کارگران ماهر و غیرماهر و سایر عواملی که به نحوی در تولید دخالت دارند، درآمد ملی یک کشور را تشکیل می‌دهند. به این نحوه محاسبه درآمد ملی از طریق درآمدها گفته می‌شود. طریق دیگر محاسبه درآمد ملی، روش ارزش افزوده می‌باشد؛ بدین نحوه درآمدها در یک کشور برابر با مجموع مابه‌التفاوت نهاده‌ها و ستانده‌ها تک تک فعالیتهای آن کشور می‌باشد. واضح است که ارزش افزوده ایجاد شده در یک اقتصاد، برابر با پاداش عوامل تولید نظیر سرمایه، نیروی کار ماهر و غیرماهر و سایر عوامل تولید می‌باشد.

عوامل تولید یک کشور، شامل صاحبان سرمایه، نیروی کار ماهر و غیرماهر، صاحبان زمین و ... تولید ملی را ایجاد می‌کنند و هر قدر سهم این عوامل از ارزش افزوده ایجاد شده بیشتر باشد، گفته

می‌شود که آن کشور ثروتمندتر است؛ به عبارتی ثروتمندتر بودن نسبی یک کشور در گرو این است که هر عامل تولید در مقایسه با سایر کشورها، ارزش افزوده بیشتری ایجاد کند در نتیجه سهم بالاتری از درآمد ملی را نیز به دست می‌آورد که این عامل سبب افزایش بهره‌وری می‌شود. در سطح خرد، به واسطه تقسیم کار، بهره‌وری عوامل تولید افزایش یافته و در نتیجه کل اقتصاد ثروتمندتر می‌شود؛ بنابراین تقسیم کار بیشتر منجر به ایجاد ثروت بیشتر جامعه می‌گردد؛ اما سوال بسیار مهمی که در رابطه با ثروت جامعه و تقسیم کار مطرح می‌شود این است که تقسیم کار تا چه اندازه قابل حصول است. برای مثال، یک روستا با ۱۰۰ سکنه را در نظر بگیرید، بعید است که در این روستا عده‌ای شغلشان باربری، عده‌ای شغلشان بذر افشانی، عده‌ای کارشان درو و... باشد؛ لذا گفته می‌شود که با بزرگ شدن بازار، تقسیم کار و تخصصی شدن عوامل تولید افزایش می‌یابد. تجارت بین‌الملل در راستای تقسیم کار و تخصصی شدن عامل تولید در سطح جهانی رخ داده و گسترش تجارت بین‌الملل در راستای تعمیق هرچه بیشتر این تقسیم کار صورت گرفته است. بازتاب این امر در سطح خرد این است که بنگاه‌های یک کشور در یکسری از فعالیتها تخصص می‌یابند و در کشور دیگر، سایر فعالیتها رونق می‌یابند؛ این تخصص، بر اساس بهره‌وری عامل تولید و وفور آن می‌باشد. این عوامل همراه با رابطه مبادله، یعنی قیمت نسبی محصولات قابل مبادله، اندازه تجارت بین‌الملل را تعیین می‌کند. این وضعیت، شمای کلی از چرایی وجود برخی از فعالیتها در یک کشور و تحلیل ارتباط این فعالیتها در سطح خرد و کلان می‌باشد.

بنابراین مدیران هوشمند یک بنگاه تصمیم می‌گیرند که با توجه به مواهب طبیعی و انسانی کشور خود، وارد چه فعالیتی شوند و سپس با بهبود فناوری، سعی می‌کنند تا رابطه مبادله را به نفع خود تغییر دهند. نقش فناوری در این میان بسیار کلیدی است. فناوری پیشرفته باعث می‌گردد تا از طرفی بهره‌وری افزایش یابد در نتیجه هزینه تولید کاهش یابد و از طرفی تبلور فناوری در تولید محصول، باعث می‌گردد تا محصول تولیدی، سایر رقبا را از صحنه بین‌الملل بیرون کند.

کشور ایران دارای وفور برخی مواد کانی فلزی و غیرفلزی نظیر نفت و گاز می‌باشد و در عین حال، برخی از فعالیتهای صنعتی از محصولات حاصل از پالایش نفت به عنوان مواد اولیه استفاده می‌کنند. این فعالیتهای صنعتی در ایران را به طور کلی می‌توان در طبقه‌بندی بزرگتری جای داد که شامل «صنایع تولید زغال کک - پالایشگاه‌های نفت»، «صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی»، «ساخت

سایر محصولات معدنی غیرفلزی»، «تولید محصولات لاستیکی و پلاستیکی» و «ساخت محصولات فلزی اساسی» می‌باشند. بنابراین این صنایع دارای این مشخصه هستند که تولیدات حاصل از آنها، قابلیت رقابت با سایر صنایع مشابه در صحنه جهانی را دارند. آمار و اطلاعات نشان می‌دهد که ایران در محصولات تولیدی حاصل از این صنایع، دارای مزیت نسبی صادراتی بالاتری است. بدیهی است که استفاده از فناوری سطح بالا، موجب می‌گردد تا ارزش افزوده بیشتری در محصولات صنایعی که از کانیهای فلزی و غیرفلزی و محصولات حاصل از پالایش نفت به عنوان مواد اولیه استفاده می‌کنند، ایجاد شده و از این طریق پاداشی که به عوامل تولید، از جمله صاحبان سرمایه می‌رسد، بیشتر شود؛ بنابراین سرمایه‌گذاری در این صنایع، سودآور می‌باشد؛ اما همانطور که ذکر شد، تقاضای جهانی نیز در انتخاب فعالیت برای سرمایه‌گذاری مهم است. یک سرمایه‌گذار عقلانی، اعم از دولتی یا خصوصی، با علم به اهمیت تخصصی شدن عوامل در سطح جهانی و نقش این امر در عرضه و تقاضای جهانی، روندهای عرضه و تقاضای جهانی را نیز از نظر دور نمی‌دارد.

با توجه به مزیت نسبی صادراتی و چشم‌انداز تقاضای جهانی و بر اساس تحقیقات صورت گرفته، صنایع "تولید مواد پلاستیکی به شکل اولیه و ساخت لاستیک مصنوعی"، "تولید مواد شیمیایی اساسی بجز کود و ترکیبات ازت"، "تولید فرآورده‌های نفتی تصفیه‌شده" و "تولید فلزات اساسی گرانبها و فلزات اساسی غیر آهنی" شرایط بهینه برای سرمایه‌گذاری سودآور را در ایران دارند. دیده می‌شود که این صنایع مبتنی بر محصولات کانی فلزی و غیرفلزی، نفت و یا محصولات حاصل از پالایش نفت که ایران در آنها مزیت نسبی صادراتی بالایی دارد، هستند. متوسط سهم محصولات این صنایع از تقاضای جهانی طی دوره ۱۱-۲۰۰۷ به ترتیب ۲/۲، ۳/۷، ۵/۳ و ۳/۸ درصد و متوسط نرخ رشد تقاضای جهانی این محصولات نیز طی دوره ۱۱-۲۰۰۲ نیز به ترتیب ۱۳/۲، ۱۲/۷، ۲۳/۸ و ۱۸ درصد بوده است. در مورد این صنایع لازم است چندین نکته را مد نظر قرار داد:

۱- صنعت "تولید فلزات اساسی گرانبها و فلزات اساسی غیر آهنی" در زمره صنایعی می‌باشند که بنگاه‌های تولیدی آنها در ایران از مقیاس کوچکی برخوردار است و لذا با توجه به اهمیت این فعالیت در صادرات ایران، سرمایه‌گذاری در راستای تقویت صادرات ایران می‌باید با ایجاد کارگاه‌های بزرگ همراه شود؛ زیرا با افزایش مقیاس تولید، برخی از هزینه‌ها به ازای هر محصول تولیدی، کاهش یافته و از این طریق ضمن افزایش رقابت‌پذیری محصول، مقدار عایدی صاحب سرمایه نیز افزایش می‌یابد.

۲- فعالیت "تولید فرآورده‌های نفتی تصفیه‌شده" جزء صنایع آلوده‌ساز محیط زیست می‌باشد و مناسب است که سرمایه‌گذاری برای گسترش اینگونه فعالیتها در ایران، با بهبود فناوری تولید در راستای کاهش آلوده‌سازی محیط زیست همراه شود.

در خاتمه این نکته را باید ذکر کرد که یک فعالیت صنعتی، محصولات متنوعی را تولید می‌کند و واضح است که سرمایه‌گذاری در تمامی محصولات یک صنعت، مناسب نیست از اینرو تنها برخی از محصولات تولیدی چهار فعالیت یاد شده برای سرمایه‌گذاری مناسب هستند. تشخیص اینکه کدام محصولات این چهار صنعت برای افزایش تولید مناسب می‌باشند، نیاز به تجزیه و تحلیل تقاضای جهانی محصولات این صنایع در سطح تفضیلی دارد.